

خبرایات

طلايه دارانِ فراموش شده



جواد طوسی

● جشنواره موسیقی فجر را پشت‌سر گذاشتیم و سی‌وپنجمین جشنواره تئاتر فجر در حال برگزاری است. بی‌آنکه از این فرصت استفاده شود و پیوندی میان حوزه‌های هنری و مخاطبانش صورت گیرد. انکار که هرکدام از اینها جزایر مستقلی هستند که بقیه به آن راه ندارند. چه اشکالی دارد با یک برنامه‌ریزی صحیح و هماهنگ‌شده، اهالی جدی و دغدغه‌مند فرهنگ و هنر بدون اعمال شاقه و ثبت‌نام اول وقت اینترنتی و روانداختن به ایس و آن بتوانند بخشی از بینندگان این رویدادهای هنری باشند؟ چرا اهل فن و دست‌اندرکاران رشته‌های مختلف ادبی، فرهنگی و رسانه‌ای (اعم از بازیگر و کارگردان سینما و تئاتر، آهنگ‌ساز، طراح صحنه، تدوینگر، نویسنده، منتقد، شاعر، خواننده، مجسمه‌ساز، نقاش، عکاس، صدابردار، دوبلور و...) به مناسبت‌های گوناگون در میزبانستی آبرومندانه کنار هم قرار نمی‌گیرند تا شماری از مخاطبان رویدادهای فرهنگی روز باشند و از ایس‌این طریق، به نگاهی جامع‌الاطراف برسند؟ در جامعه‌ای که به دلائل عدیده دچار انقطاع فرهنگی شده است، باید از این موقعیت‌ها به‌درستی استفاده کرد تا حتی یک جشنواره تبدیل به باقیق فرهنگی شود. این واقعیت را باید پذیریم که ما در این روزگار پریشان و دنیای پراسترس، بدجوری از هم دور افتاده‌ایم و در پیله تنهایی فرورفته‌ایم. می‌دانم در این زمانه بی‌رحم و پر از حسابگری، باید روی پای خود بایستی و در خودت انگیزه ایجاد کنی و با شور و امید در صحنه باشی. اما سیاست‌گذاران فرهنگی دولت «تدبیر و امید» و مدیران وزارت ارشاد، این پیشنهاد نه‌چندان بی‌شرمانه بنده را به حساب نوعی «سوسپد فرهنگی» بگذارند. می‌شد یک اجرای ارکستر سمفونیک و ارکستر ملی را به دعوت و میزبانی این مجموعه از اهالی نام‌آشنا و کارگرفته فرهنگ و هنر اختصاص داد. ولی جشنواره خاتمه یافت و این اتفاق نیفتاد و در عکس‌های پخش‌شده در فضای مجازی با صندلی‌های خالی در تعدادی از اجراها روبه‌رو بودیم. این یعنی بی‌برنامگی و ضعف مدیریت و نبود نگاه مدبرانه و کارشناسی شده. قاعدتا در جشنواره تئاتر که در حال برگزاری است، به لحاظ علاقه زیاد نسل جوان به این حوزه و کنجاشیز اندک سالن‌های نمایش شاهد این صندلی‌های خالی نخواهیم بود. ولی ای کاش آن پیشنهاد در مورد برخی از آثار شاخص و قابل بحث (حتی به صورت چند اجرای خارج از برنامه) جدی گرفته می‌شد. به هر حال، شمار قابل توجهی از این هنرمندان و فرهنگ‌سازان یا به سن گذاشته‌اند و موبی سفید کرده‌اند و هرچقدر عشق و علاقه و انگیزه و حال‌وحصله داشته باشند، مثل یک جوان فرز و چالاک نمی‌توانند برای خود بلیت جشنواره جور کنند. امید است در این فرصت کمی که باقی مانده، حداقل در مورد جشنواره فیلم فجر که پیش‌رو داریم، چنین سیاستی اتخاذ شود و سینما و سانسلی برای حضور افراد صاحب‌نام و تأثیرگذار و پیش‌کسوت عرصه ادب و فرهنگ و هنر در رشته‌های مختلف اختصاص یابد.

خبر

درسگفتارهایی

درباره سنایی برگزار می‌شود

● در شعر کهن فارسی گفت‌وگوی شاعر با خودش نمونه‌های بسیاری ندارد؛ ولی این‌گونه خطاب‌ها در دیوان حکیم سنایی غزنوی بسامد بالایی دارد. بیش از ۳۰ مورد از قصیده‌ها، غزل‌ها و قطعه‌های او با «ای سنایی» آغاز می‌شود. این اشعار که از نکته‌های معرفتی، انتقادی و... برسرار است، درعین‌حال که به‌گونه‌ای نقد حال شاعر به شمار می‌رود، قابلیت تعمیم به دیگران، چه در زمان او و چه پس از او را نیز دارد و جایگاه ویژه‌ای در شناخت بهتر ما از حکیم غزنه فراهم می‌کند. چهاردهمین نشست از مجموعه درسگفتارهایی درباره سنایی به «ای سنایی» اختصاص دارد که امروز، چهارم بهمن، ساعت ۱۶:۳۰ با سخنرانی دکتر محمدمسور مولایی در مرکز فرهنگی شهر کتاب واقع در خیابان شهید بهشتی، خیابان شهید احمد قصیر (بخارست)، نبش کوچه سوم برگزار می‌شود.

«همشهری»عباس کیارستمی در شبکه مستند

● شبکه مستند سیما در دومین قسمت از سری جدید مجموعه «کنجینه» مستند «همشهری» ساخته عباس کیارستمی را روی آنتن می‌فرستد. «همشهری» سال ۶۲ به تهیه‌کنندگی کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان ساخته شده. این مستند خلق که در بستر زمانی خود اثری منحصربه‌فرد به شمار می‌رود، به اولین روزهای اجرای طرح ترافیک در تهران و روش‌های شخصی افراد در برخورد با این موضوع می‌پردازد. «کنجینه» چهارشنبه (چهارم بهمن) ساعت ۲۱ از شبکه مستند سیما پخش می‌شود. تکرار این قسمت پنجشنبه (پنجم بهمن‌ماه) ساعت ۸:۳۰ خواهد بود.

بهناز شیربانی: تا پیش از برگزاری جشنواره فیلم فجر، معمولاً گمانه‌زنی‌های بسیاری درمورد چگونگی برگزاری آن صورت می‌گرفت و شاید بخش عمده‌ای از این حواشی را مدتی قبل در جریان معرفی ۲۲ فیلم منتخب این دوره از جشنواره تجربه کردیم؛ اتفاقی که بسیاری از فیلم‌سازان درباره آن صحبت کردند و نظراتشان رسانه‌ای شد، اما قطعاً بخش مهمی از جشنواره فیلم فجر، هرساله به معرفی برترین‌ها در حوزه تبلیغات سینمای ایران برمی‌گردد. معرفی بهترین‌ها در حوزه عکاسی فیلم، پوستر و آئونس که بدون شک نبض اصلی تبلیغات فیلم‌های سینمایی را برعهده دارند، از مهم‌ترین بخش‌های جشنواره فیلم فجر است. سال گذشته با پیگیری‌های انجمن عکاسان سینمای ایران، بخش اهدای سیمرغ بهترین‌س عکاس فیلم برای فیلم‌هایی که در یک سال گذشته اکران شدند در افتتاحیه اجرا شد و در اختتامیه نیز همراه با عنوان‌هایی که هیئت داوران برای کسب سیمرغ اعلام کردند، نام عکاس فیلم نیز بود و بهترین عکس فیلم در میان فیلم‌هایی که در بخش مسابقه حضور داشتند نیز به جشنواره اضافه شد. قطعاً این نگاه که عکس فیلم در کنار سایر رشته‌ها در جشنواره فیلم فجر، دیده شود، رویکردی منطقی است، اما در سی‌وششمین جشنواره فیلم فجر روال معرفی بهترین عکاس سال تغییر کرد و بار دیگر بهترین‌های بخش تبلیغات سینمای ایران، از میان آثار یک‌سال گذشته انتخاب می‌شوند. باین‌حال معرفی هیئت داوران بخش تبلیغات سینمای ایران، چندروزی است رسانه‌ای شده است و در میان چهره‌هایی که این بخش را داوری کردند، اسامی سیف‌الله صمدیان (از پیش‌کسوتان عرصه عکاسی)، ابراهیم حقیقی (طراح گرافیک و عکاس)، طاه‌ها ذاکر (طراح و گرافیست)، سیدیه عبدالوهاب (تدوینگر) و میثم مولایی (سازنده تیزر و آئونس و تدوینگر) دیده می‌شود. چند روز پس از اعلام اسامی ترکیب هیئت داوران بخش تبلیغات، نقل‌قول‌هایی درباره اینکه در این ترکیب حضور عکاسان سینمای ایران کم‌رنگ است و بهتر بود که با لحاظ‌کردن ایس مورد به چینش کهنری در هیئت داوران جشنواره فیلم فجر می‌رسید، از طرف انجمن عکاسان سینمای ایران رسانه‌ای شد. حافظ احمدی، رئیس انجمن عکاسان سینمای ایران، به «شرق» گفت: «متأسفانه در این مورد برداشت‌های غلطی صورت گرفت و تا حدی سوءتفاهم پیش آمد و بسیاری با طرـح این موضوع چنین برخورد کردند که ما با شخص در ترکیب هیئت داوران بخش تبلیغات سینمای ایران مشکل داریم،

در صورتی‌که به‌هیچ‌وجه نقد ما این نیست؛ سیف‌الله صمدیان از عکاسان شناخته‌شده و پیش‌کسوتی است که انجمن عکاسان سینمای ایران نیز در برگزاری جشن تخصصی‌اش از کمک و نظارتش استفاده کرده و از بزرگان عرصه عکاسی است و ابراهیم حقیقی نیز بسیار حرفه‌ای و کاربلد است و او هم در دوره‌ای کنار عکاسان سینمای ایران بود. نقد ما صرفاً به چینش هیئت داوران ایس بخش بود و به‌لحاظ حرفه‌ای این موضوع را بررسی کردیم و به‌هیچ‌عنوان شخصیت‌ها مدنظر ما نبودند». او در بخش دیگری از صحبت‌هایش گفت: «متأسفانه عده‌ای با برداشت‌های سـوء فضا را به سمتی بردند که سعی در اختلاف‌انداختن و شیطنت داشتند و اصل مطلب گم شد». سیف‌الله صمدیان، عکاس پیش‌کسوت و از اعضای هیئت داوران بخش تبلیغات

سی‌وششمین جشنواره فیلم فجر، درباره حضورش در ایس دوره از جشنواره و کیفیت آثاری که داوری کرده است، گفت: «نکته‌ای که در برگزاری جشنواره فیلم فجر جلب توجه می‌کند، عدم ثبت مدیریت جشنواره است؛ به این شکل که انگار هر سال در زمان برگزاری، جرخ

هنر

در پی حواشی اخیر داوری‌های بخش تبلیغات جشنواره سی‌وششم فیلم فجر

صمدیان: وجوه هنری و تجاری عکس برایم اهمیت داشت



جشنواره از نو اختراع می‌شود. در صورتی که در بسیاری صمدیان از عکاسان شناخته‌شده و پیش‌کسوتی است که انجمن عکاسان سینمای ایران نیز در برگزاری جشن تخصصی‌اش از کمک و نظارتش استفاده کرده و از بزرگان عرصه عکاسی است و ابراهیم حقیقی نیز بسیار حرفه‌ای و کاربلد است و او هم در دوره‌ای کنار عکاسان سینمای ایران بود. نقد ما صرفاً به چینش هیئت داوران ایس بخش بود و به‌لحاظ حرفه‌ای این موضوع را بررسی کردیم و به‌هیچ‌عنوان شخصیت‌ها مدنظر ما نبودند». او در بخش دیگری از صحبت‌هایش گفت: «متأسفانه عده‌ای با برداشت‌های سـوء فضا را به سمتی بردند که سعی در اختلاف‌انداختن و شیطنت داشتند و اصل مطلب گم شد». سیف‌الله صمدیان، عکاس پیش‌کسوت و از اعضای هیئت داوران بخش تبلیغات

نکته



نقد ما صرفاً به چینش هیئت داوران این بخش بود و به‌لحاظ حرفه‌ای این موضوع را بررسی کردیم و به‌هیچ‌عنوان شخصیت‌ها مدنظر ما نبودند

سی‌وششمین جشنواره فیلم فجر، درباره حضورش در ایس دوره از جشنواره و کیفیت آثاری که داوری کرده است، گفت: «نکته‌ای که در برگزاری جشنواره فیلم فجر جلب توجه می‌کند، عدم ثبت مدیریت جشنواره است؛ به این شکل که انگار هر سال در زمان برگزاری، جرخ

درباره جشنواره بین‌المللی فجر به مناسبت سی‌وششمین دوره آن

منصفانه‌تر قضاوت کنیم

رفیق نصرتی - منتقد تئاتر

از تئاتری‌ها بیرسیم چه کنیم؟ خیلی هم لازم نیست از فوکو یا دلوژ نقل‌قول بیاوریم. تا اینجاى نوشتام در مورد همهٔ جشنواره‌های این سال‌ها بود، در مورد جشنوارهٔ امسال نیز نکته‌هایی به ذهنم رسیدم فکتم در میان بگذارم. از ابتدای انتخاب آقای دکتر مهندس‌پور عزم یک عده برای زیر سؤال‌بردن جشنواره جزم شد. از همان ابتدا با ادعای دشمنی دبیر جشنواره با متن، (ادعایی بی‌اساس و ابیلهانه) جداشتن بخش جایزهٔ نمایشنامه‌نویسی را توطئه‌ای علیه نمایشنامه‌نویسان قلمداد کردند. درحالی‌که این بخش سال پیش هم جدا شده بود و امسال هم کشتی بی‌نمایشنامه راه نرفتاد. بیهاوی این مساله که خوابید یک برنامهٔ تلویزیونی به‌طورخاص اتهامی ملموس ورزید برای زیر سؤال‌بردن جشنواره که هنوز همه ادامه دارد و بعد ماجرای تکراری پوستر جشنواره و حملهٔ منتقدان آن بدون استدلالی دقیق. خلاصه دوباره یک عده انتقد فضا را مغشوش کردند و اتهام‌های واهی و غیرمستدل زند که تقریباً جشنواره را در مقابل نقد واکسینه کردند، درحالی‌که نقدهای جدی بر جشنواره وارد است؛ به‌خصوص در بخش به اصطلاح بین‌الملل. منصفانه قضاوت کنیم ایده‌های خوبی وجود دارد که باید بهتر اجرا می‌شد و در شکل فعلی نسبتی با اصل ایده‌ها ندارند. چند مثال بزنم. ایدهٔ رزیدنسی فوق‌العاده است؛ رزیدنسی یکی از بهترین و امروزه معمول‌ترین شکل‌های ایجاد امکان مآروده با جمهوری جهانی هنر است؛ شیوه‌ای که تقریباً خیلی پس از جا افتادنش به ما رسیده است اما رزیدنسی یک‌هفته‌ای یک شوخی است، یک ادا است. رزیدنسی خیلی ساده یعنی نهادی، مؤسسه‌ای، شخصی، از هنرمندی دعوت کند و امکان خلق یک اثر هنری را در مدتی برای او فراهم کند در

با جدی‌ی جدی می‌توان به ساختاری افقی اندیشید که در آن قدرت توزیع‌شدنی نیست و به شکلی ماهوی در خود میدان نیروها وجود دارد و سازوکاری خودگردان دارد و طبیعتاً دولت در این حالت نقشی نظارتی خواهد داشت، چنانکه امروز به شکلی تقریبی در طول سال چنین است. در شکل فعلی، دبیری جشنواره همچون سریر پادشاهی است؛ هر سال به کسی تقدیم می‌شود تا یک سال بر سرزمین تئاتر حکومت کند. تا زمانی که چنین است حاکم خوب، حاکم مرده است. شاید یکی از دیگری عادل‌تر باشد اما در نهایت پادشاهی مستلزم اعمال قدرتی است که زور دارد و این با جشنی که می‌گیریم تضاد ماهوی دارد. چه کنیم؟ سمیناری برگزار کنیم و بدون گذاشت عنوانی قلمبه به‌روی آن، صداقانه



از مجموعه‌ها انتخاب‌ها بر اساس انضباط و تفکر مربوط به فیلم نبود و در کمتر مجموعه‌ای تأسیس هنری و محتوایی دیدم. این موضوع را می‌توان در بخش پوستر هم دید که بسیاری از آثار مثل دهه ۴۰-۵۰، مجموعه‌ای از صورت‌هایی است که کنار هم ترکیب اصلی پوستر را تشکیل می‌دهند و ربطی به فضای واقعی فیلم ندارند. او ادامه داد: «در بخش آئونس و تیزر هم کمتر نشانی از ابتکار و خلاقیت دیدیم. مثلاً فیلمی که ریتم تند دارد، در آئونس فیلم اتفاقی دیدیم که خلاف دیدگاه کارگردان در فیلمش بود و از نوع انتخاب پلان‌ها و فضایی که برای آئونس انتخاب کرده بود، می‌شد عدس زد سازنده تیزر و آئونس ابداع فضای فیلم را درک نکرده است. اینها مشکلاتی بود که در این بخش برایم چشمگیرتر بودند. صمدیان در پاسخ به این پرسشی که در داوری بخش عکس برای او وجه هنری آثار ویژه‌تر بود یا تجاری، گفت: «کاملاً با وظیفه عکس فیلم به‌عنوان یک ابزار تبلیغاتی آشنایی دارم؛ اما قطعاً در این میان به‌عنوان داور دنبال

وجه هنری عکس هم هستم؛ یعنی عکس‌هایی که با رویکرد هنری به بحث تبلیغات و فروش فیلم فکر کنند. چنین عکسی طبعاً برای من امتیاز بهتری دارد». او افزود: «رابطه بین انتخاب عکس صحنه و پشت صحنه در بسیاری از مجموعه‌ها درست نبود و گاهی عکس‌های صحنه بسیار درخشان بودند، درحالی‌که عکس پشت صحنه آنها به کیفیت عکس صحنه نبود و برعکس و به نظر عکاسان فیلم قطعاً باید این دو وجه را کنار یکدیگر و با یک کیفیت ببینند. اساساً نگاهم به عکاسی فیلم این است که باید تا حد زیادی در کارش خلاقیت نشان دهد. خاطره‌ای درباره ساخت فیلم «ضام‌توری» خواندم، در پلانی که بهروز وثوقی در انتهای فیلم با موتور دیده می‌شود و نمایی از او سوار بر موتور از زاویه پایین گرفته شده، در فیلم نبوده و امیر نادری در حین دیدن این عکس، کارگردان پلانی هم به این شکل در عکاس به کارگردان هم انگیزه می‌دهد و می‌تواند به روند فیلم‌سازی کمک کند». صمدیان در پایان گفت: «باز تاکید می‌کنم برای رسیدن به نتیجه مطلوب در زمینه مواد تبلیغی سینما، هم باید جشنواره را ثبت و برنامه‌ریزی حرفه‌ای بر‌خوردار باشد و هم در کنار داوران با تجربه ضروری است علاوه بر تولید حرفه‌ای در عرصه عکس، پوستر، آئونس و تیزر، انتخاب و ارائه آثار برای داوری از سوی شرکت‌کنندگان نیز با رویکردی حرفه‌ای و خلاقانه توأم باشد».

تئاتر هم معمول است. شما کارگردانی را دعوت کنید و امکان اجرای اثر جدیدش را فراهم کنید با هر کمکی که برایتان ممکن است. عوامل انسانی، امکانات سخت‌افزاری، و غیره اما اینکه یک کارگردان نباید در یک هفته با یک‌سری هنرور ایرانی کاری را آماده کند بیشتر به شوخی می‌ماند اگر هم شوخی نباشد مروج بدترین نوع تولید تئاتر است، فست‌فودی‌ترین شکل تئاتر هم بیشتر از یک هفته تمرین نیاز دارد. سوزان کندی یا پیتر بروک. یا پنل‌ها، پل این نیست، اینکه دو نفر بیایند بنشینند و با حضور مخاطبانی راجع‌به موضوعی حرف بزنند از دیرباز نامش جلسه گفت‌وگو بوده و هست. در یک پنل واقعی، معمولاً ۱۲ تا ۲۰ نفر آدم متخصص یک حوزه مدتی بین سه تا هجده ماه روی موضوعی کار پژوهشی می‌کنند و سپس آن را در یک گردهم آمدنی ارائه می‌کنند. مثلاً می‌توانید سال آینده به جای اینکه دو نفر را بیاورید که در مهم‌ترین جشنوارهٔ تئاتری کشور این گمانه را مطرح کنند که تئاتر مهم نیست، پنلسی واقعی با این موضوع شکل دهید.

با اینها به نظرم جشنوارهٔ امسال بنای چیزهایی را گذاشته که اگر به‌درستی اجرا شوند روند کلی برگزاری جشنواره فجر بهتر خواهد شد. به‌هر حال، فروش تک‌نیم هر سال بعد از جشنواره، عده‌ای آن را قضاوت خواهند کرد و گاها با مقایسه با جشنواره‌های قبلی آن را بهتر یا بدتر ارزیابی می‌کنند بدون آنکه هنوز معیار مشخصی در فضای بین‌الادهانی وجود داشته باشد. کیفیت یک جشنوارهٔ تئاتر به نظر من منوط به چند عامل اساسی است، در وهله اول احترام به تماشاجی است و نظم برگزاری جشنواره.

در وهلهٔ دوم کیفیت اجرااست. (در مورد اجراهای ایرانی، خیلی به گـروه برگزارکننده ربطی ندارد چون در نهایت برآیندی از تئاتر ایران است با ضرب خطایی کم‌وبیش قابل چشم‌پوشی. به‌طورمثال چه اجراهایی از این جشنواره جا مانداند که بگویم این نیست تئاتر ایران؟ خود من دو مورد بیشتر را نمی‌توانم نام ببرم که به نظرم جایشان در جشنواره خالی است همین. و دو مورد خیلی ناچیز است. درباره انتخاب آثار خارجی هم آتقدیر فیلتر وجود دارد که تقریباً همیشه باید گفت تئاتری که از خارج می‌آید چینی است. بعضی سال‌ها استثناهایی اتفاق افتاده است اما در نهایت «های‌کی» های چینی بوده‌اند).

امسال هم به‌رشد رتبع کیفی تئاتر ایران در چند سال اخیر، کیفیت اجراها نسبت به دهه‌های پیش به‌شدت رشد داشته است. در وهلهٔ سوم، مسائل پیرامونی است، مسائل آموزشی، پژوهشی، داوری‌ها، تلاش برای توسعهٔ کمی و کیفی تئاتر در کشور با استفاده از نیروی ایجادشده در جشنواره، تلاش برای ایجاد ارتباطی ارگانیک‌تر میان نهاد تئاتر و ساحات اجتماعی و در نهایت زمینه‌سازی برگزاری بهتر جشنواره در سال آینده است و تلاش برای رشد‌دادن آنچه مسئول آن بوده‌ایم، چه باشیم، چه آن را به گروهی دیگر بسپاریم. همهٔ این عوامل را کنار هم که بگذاریم، یک جفت شهرستانی، یک جفت آرزوی، یک جفت آواکانرد، یک جفت کار پیش‌کسوت‌ها، یک جفت

جشنواره سی‌وششم

شب پنجم تئاتر فجر

طعم گس حذف

● **رضا آشفته**: برخی از شیراز و یاسوج آمده بودند که در تالار چارسو در روز پنجم جشنواره شاهد اجرای «روز عقیم» باشند، اما با حرف‌های راهنمایی سالن که می‌گفت این نمایش امشب اجرا نمی‌شود و با تماشای صورت‌های ناباور از راه‌دور آدمگان حس می‌کردی که چه طعم کسی دارد این توقیف و حذف! اینکه همه این مسافران تئاتری با توجه به گفته‌های مهندس‌پور و گفت‌وگوی کیانی در روزنامه «شرق» آمده بودند که «روز عقیم» را ببینند و باید که در این شب حسین کیانی میزبان هواخواهان خود می‌شد.

این نمایش درباره سه روح سرگردان در یک خانه بزرگ است. اینها روزگاری در شهر نو به نام کارگر جنسی استمار می‌شدند و حالا انقلاب شده و یکی می‌خواهد آب توبه بر سر اینها بریزد و شوهرشان بدهد، اما او روانی است و از شکنجه اینها تا سر حد مرگ لذت می‌برد و... این سوءاستفاده‌گران همیشه و همه‌جا بوده‌اند. این نمایش هم اگر مشکلی داشت که اجرای عمومی نمی‌شد و بیان این اطلاعات سوخته که در کل دنیا به جایی بر نمی‌خورد!؛ به‌هر حال همه هواخواهان با صد آفوسو آتجا را ترک می‌گفتند و این حذف حسین کیانی که خود فرزند جشنواره تئاتر فجر است و با حضور و گرفتن جایزه از آن به‌عنوان استعدادی تئاتری برجسته شده، حضورش باعث اعتبار تئاتر فجر می‌شود و حذفش نوعی کاستی و کمبود خواهد بود، و به نظر می‌رسد تئاتر فجر باید سنجیده‌تر از اینها تصمیم‌اتش را راهبری کند. **دهن‌کنده**: نمایش «دهن‌کنده» به نویسنده‌گی، کارگردانی و اجرای والتائین دانیس از کشور بلژیک، یک خطابه چندوجهی ضد سیاست‌مداران قدرتهای بزرگ و استعمارگر جهان است. هرچند کارگردان اصرار دارد که کارش را غیرسیاسی تلقی کند، اما پیامدش نابار آن تلقیبات و ارائه یک دیدگاه گسترده همانا سیاسی خواهد بود.

به‌هرروی در این نمایش خلاقه ما می‌خدیم به آنچه گفته می‌شود و لذت می‌بریم از توان یک بازیگر که همه‌گونه آماده است و در این فضای مینی‌مالیستی او حتی با بیان بدن خیلی دقیق به جزئی‌ترین جزئیهای که مرتبط با عالم سیاست است، می‌پردازد. این بازیگر از میمیک‌ها بهره لازم را برای تصورکردن نقش‌ها می‌برد و بدن و فیکورهایش برای القای نقش و انتقال مفاهیم بسیار کارآمد است. دانیس صدای چندساحتی دارد و ذهن و بلوغی دامنه‌دار برای آنچه که در غایت خود معرف هنرمندی‌اش خواهد بود. او ضد سیاست عمل می‌کند، اما در نهایت خطابه‌اش گراترین خطابه چندوجهی فلسفی- سیاسی برای درک قنایق حاکم بر جهان معاصر خواهد بود که به‌عنوان مسئله‌ای ریشه‌دار می‌تواند همه ما را تحت‌تأثیر قرار دهد.

«دهن‌کننده» ما را می‌خنداند و درعین‌حال ما را نسبت به خطابه سیاست‌مداران آگاه و زرق می‌کند که چگونه این دهن‌های کنده ما را سحر و محو قدرت کلاشمان می‌کنند و این کاریزمای آنها بهتر از هر بازیگری ما را نسبت به این دروغ‌ها کشمند می‌کند.

آواز ماهی‌ها در مرداب: آواز ماهی‌ها در مرداب

گارسپا لورکای اسپانیایی است که در جنوب و خلیج‌فارس توانسته رنگ‌ولعابی بیابد و همه چیز در پوشش دگرگون‌شونده و با رفتاری شاعرانه ایرانی شود و ما را متاثر از نازایی یک زن کند که در وضعیت تحت ستم، چگونه به کشتن همسرش ناجار می‌شود.

نمایش‌آش آواز ماهی‌ها در مرداب در نگاه اول با توجه به هوشمندی طراح در ارائه حبله عروسی در قد و اندازه ارتفاع سالن حافظ ما را متوجه حضور یک طراح خلاق و کارگردان نوجو در بندر دیر می‌کند که اگر بخواهیم استعدادیابی کنیم، حتماً بسیاری از هنرمندان نوجو را نه در تهران که باید در آن گوشه‌وکنارهای بیابیم و البته این دیگر کار متولیان هنر و فرهنگ ایرانی است که چنین برنامه‌ای را لازمه کارشان کنند که با نمود و نمایاندن توش‌وتوان اینهاست که ایران بارزتری می‌شود؛ به‌لحاظ فرهنگی و در خشکاندن این چشمه‌های جوشان است که همچنان سترون‌بودن می‌تواند امری زیان‌بار برای کل یک جامعه در حال ترقی باشد.

آواز ماهی‌ها در مرداب هنوز در متن اقتباسی اشکالاتی دارد و در بازی نقش‌های مرد می‌لنگد و باید که این مشکلات مرتفع‌شود که ضمن استقرار یک ضرابهنگ درست بتوان تصور بهتری از آن طراحی خلاقه را برداشت کرد.